

## بازگشت به تابعیت در حقوق ایران؛ مطالعه‌ای از منظر تحلیلی - انتقادی - اصلاحی

دکتر مصطفی دانش پژوه\*

### چکیده

با این که بازگشت به تابعیت ایران یکی از مصادیق تحصیل تابعیت ایران است، اما قانون‌گذار به دلایل برخی از ویژگی‌های آن، دو ماده ۹۸۷ و ۹۹۰ قانون مدنی را به آن اختصاص داده است. به رغم تحسین برانگیز بودن توجه به این تفاوت‌ها، اما این اختصاص، دو پرسش اساسی را که موضوع اصلی این مقاله است پدید می‌آورد: یکی آن که آیا ارکان، شرایط، آثار و ماهیت بازگشت به تابعیت با تابعیت تحصیلی متفاوت است؟ و دیگر این که آیا نوع تابعیت ایرانی و نوع خروج فرد از تابعیت ایرانی در تخفیف یا تشدید شرایط بازگشت به تابعیت ایران و نیز آثار بازگشت به تابعیت ایران تأثیرگذار است؟ ماده مذکور از برخی کاستی‌ها و ناراستی‌ها درباره شرایط، ماهیت و آثار این نوع از تابعیت که می‌توان از آن با عنوان «تابعیت رجوعی» یاد کرد، رنج می‌برد. از این رو نویسنده در این مقاله در تلاش است با استفاده از روش تحلیلی و تعمق در متون قانونی، پاسخ پرسش‌های دوگانه پیش‌گفته را یافته و ضمن ارزیابی آن‌ها، در پایان با ارائه چند پیشنهاد به اصلاح قانون کمک کند.

واژگان کلیدی: تابعیت اصلی، تابعیت اکتسابی، تابعیت تحقق‌ی، تابعیت تبعی، تابعیت

رجوعی.

## سرآغاز

بیگانه‌ای که می‌خواهد با اراده خودش به تابعیت دولت ایران درآید، از دو حال خارج نیست: یا در گذشته هیچ نوع سابقه تابعیت ایرانی نداشته که در این صورت به استناد ماده ۹۷۹ اقدام به تحصیل تابعیت ایران می‌کند و برای اولین بار تبعه ایران محسوب می‌شود و به همین جهت تابعیت ایرانی او را می‌توان «تابعیت تحصیلی» نامید و یا آن‌که قبلاً دارای تابعیت ایران بوده و به هر دلیل از تابعیت ایران خارج شده است و می‌خواهد مجدداً به تابعیت دولت ایران درآید، در حقیقت می‌خواهد به تابعیت گذشته‌اش رجوع و بازگشت کند. به همین جهت با استعاره از متن قانون می‌توان آن را «تابعیت رجوعی» نام نهاد.

به این ترتیب، تابعیت رجوعی از آن جهت که با درخواست فرد و موافقت دولت حاصل می‌شود، همچون تابعیت تحصیلی است، اما از آن جهت که فرد سابقه تابعیت ایرانی داشته و می‌خواهد مجدداً به تابعیت ایران درآید، با آن متفاوت است. این تفاوت آفریننده پرسشی است که این مقاله عهده‌دار دریافت پاسخ آن است و آن این‌که نخست، آیا ارکان، شرایط، آثار و ماهیت تابعیت رجوعی با تابعیت تحصیلی متفاوت است؟ و دوم، آیا نوع تابعیت ایرانی و نوع خروج فرد از تابعیت ایرانی، در تخفیف یا تشدید شرایط بازگشت به تابعیت ایران و نیز آثار تابعیت رجوعی تأثیرگذار است؟ به نظر می‌رسد هر قدر تابعیت ایرانی سابق سخت‌تر و خروج از تابعیت، نرم‌تر باشد، منطقاً شرایط بازگشت راحت‌تر و بهره‌های مترتب بر تابعیت بیشتر خواهد بود و برعکس، هر مقدار که تابعیت سابق سست‌تر و خروج از تابعیت، سخت باشد، شرایط بازگشت به تابعیت شدیدتر و بهره‌های مترتب بر تابعیت، کمتر خواهد بود (سلجوقی، ۱۳۸۶: ۲۲۴).

به دلیل آنچه در بالا اشاره شد، این بحث از پیشینه قابل توجهی برخوردار نیست و نویسنده جز اشارات خیلی مختصر شارحان قانون مدنی که در کتاب‌های منتشره آنان با عنوان «حقوق بین‌الملل خصوصی» آمده است، به کتاب یا مقاله اختصاصی دیگری دست نیافته است.

نگاهی به کتاب‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، از (شاید) اولین کتاب که نوشته جواد عامری است تا آخرین کتاب‌هایی که از استادان به نام یا نویسندگان نه‌چندان به نام انتشار یافته است، فقر ادبیات حقوقی درباره «تابعیت رجوعی» یا بازگشت به تابعیت ایران به خوبی نشان داده می‌شود. عامری (۱۳۶۲) فقط در حد دو صفحه (صفحه‌های ۶۷-۶۸) به این بحث پرداخته است و دیگران پس از او هم به جز سلجوقی (۱۳۸۶) که بیش از دیگران و در حدود پنج صفحه (۲۲۴-۲۲۸) به این بحث پرداخته، یک نفر، در همین حد و حتی کمتر از آن، تابعیت رجوعی را توضیح داده‌اند: نصیری (۱۳۷۲) در صفحه ۷۸، سلجوقی که بیش از دیگران به این بحث پرداخته، در صفحات ۲۲۴-۲۲۸، مدنی (۱۳۷۸) در صفحات ۱۲۱-۱۲۲، ابراهیمی (۱۳۸۶) در صفحه ۱۳۲، شریعت باقری (۱۳۹۵) در صفحات ۸۰-۸۱، بیژن عزیزی و ستار عزیزی (۱۳۹۰) در صفحات ۲۸۱-۲۸۲، آل کجیاف (۱۳۹۳) در صفحه ۶۵-۶۷، سهرابی (۱۳۸۵) در صفحات ۶۴-۶۵، نظیف (۱۳۸۸) در صفحات ۱۰۵-۱۰۶ و دانش‌پژوه (۱۳۸۱) در صفحات ۱۲۷-۱۲۸ و ۱۵۷ به اختصار از آن سخن گفته‌اند و ارفع‌نیا (۱۳۶۹) و شیخ‌الاسلامی (۱۳۸۴) حتی کمترین اشاره‌ای به این بحث ندارند. بر این اساس منطقی است کسانی که همچون امامی که زیر عنوان «حقوق مدنی» به شرح قانون مدنی پرداخته‌اند، از پرداختن به این بحث عبور کرده و از آن سخنی نگفته باشند. از این رو نویسندگان در این مقاله، بیش از تتبع، با تأمل و تعمق به تحلیل مواد قانونی مربوط به تابعیت رجوعی و تبیین کاستی‌ها و ناراستی‌ها پرداخته و در پایان با چند پیشنهاد، به گمان خود، به جبران کاستی‌ها و تصحیح و اصلاح ناراستی‌ها همت ورزیده است.

## ۱. منابع قانونی و موارد بازگشت به تابعیت ایران

در قسمت نخست به مواد قانونی مربوط به بازگشت به تابعیت ایران و سپس به تحلیل موارد بازگشت به تابعیت ایران می‌پردازیم.

### ۱-۱. متون قانونی مربوط و موارد تابعیت رجوعی

در حقوق ایران دو ماده ۹۹۰ و ۹۸۷ قانون مدنی، به بیان موارد مختلف تابعیت رجوعی و شرایط و آثار بازگشت به تابعیت ایران اختصاص یافته است و این خود از توجه قانون‌گذار به تفاوت تابعیت تحصیلی و تابعیت رجوعی حکایت می‌کند که یکی از امتیازهای قانون ایران در مقایسه با قانون تابعیت بسیاری از کشورها است، زیرا قوانین بیشتر کشورها در این باره ساکت است و تنها در قوانین تعداد کمی از کشورها به آن توجه و تصریح شده است. برای نمونه در کشور ژاپن، شخصی که زیر ۲۰ سالگی تابعیت ژاپنی خود را از دست داده باشد در صورت تقاضا از وزارت دادگستری مشروط بر اینکه در ژاپن اقامت داشته باشد می‌تواند مجدداً به تابعیت ژاپن برگردد (آل کجیاف، ۱۳۹۳: ۱۰۹) و نیز چنانچه تبعه سابق بلژیک تقاضای بازگشت به تابعیت را به دولت اعلام کند بعد از ۱۲ ماه سکونت در بلژیک مجدداً تابعیت بلژیک را به دست خواهد آورد، مشروط بر اینکه وفاداری خود را به دولت بلژیک ثابت کرده و همچنین علل برگشت به تابعیت را به دولت اعلام کرده و مورد موافقت دولت قرار گرفته باشد (آل کجیاف، ۱۳۹۳: ۱۷۶). هم‌چنین، تبعه سابق هلند که ترک تابعیت کرده، پس از گذشت یک سال از تقاضای بازگشت به تابعیت هلند، می‌تواند مجدداً به تابعیت هلند برگردد (آل کجیاف، ۱۳۹۳: ۲۰۴). در حقوق فرانسه نیز به استناد ماده ۲۴ قانون مدنی، با این عبارت «رجوع به تابعیت فرانسه برای افرادی که ثابت نمایند این تابعیت را داشته‌اند، از طریق حکم یا اعلام بر اساس تفکیکی که در مواد بعدی می‌آید صورت می‌گیرد» (محسنی، ۱۳۹۵)، به تابعیت رجوعی اشاره شده است.

### ۱-۱-۱. متون قانونی

«ماده ۹۹۰ - از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات، تبدیل تابعیت کرده باشند و بخواهند به تبعیت اصلیه خود رجوع نمایند به مجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد، مگر آن‌که دولت تابعیت آن‌ها را صلاح نداند.»

«ماده ۹۸۷ - زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌کند به تابعیت ایرانی خود

باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق، به صرف تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق، تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱ - هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج، زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج منخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد.

#### ۱-۱-۲. موارد تابعیت رجوعی

از تحلیل این دو ماده، چند مورد تابعیت رجوعی به خوبی قابل تشخیص است:  
الف. ماده ۹۹۰ قانون مدنی. از ماده ۹۹۰ قانون مدنی که فارغ از موقعیت خانوادگی متقاضی و زن یا شوهر بودن یا نبودن و یا والدین یا فرزند بودن یا نبودن او و نیز فارغ از نوع تابعیتی را که قبلاً دارا بوده و از دست داده است، از تابعیت رجوعی سخن می‌گوید، این موارد قابل برداشت است:

- شخص کبیری که با اراده و اختیار، تابعیت ایران را رد و یا ترک کرده و به تابعیت کشور دیگری در آمده است، (خواه در هنگام خروج از تابعیت ایران، دارای فرزند صغیری باشد یا نباشد و همچنین در هنگام درخواست بازگشت نیز همسر یا فرزند صغیری داشته یا نداشته باشد)؛

- شخص صغیری که بدون اراده و اختیار و صرفاً به دنبال ترک تابعیت پدر خویش، به استناد ذیل بند ۳ ماده ۹۸۸ از تابعیت ایران خارج شده است، فارغ از این که در هنگام درخواست بازگشت، دارای همسر و فرزند صغیر هست یا نیست (این ماده درباره شخص صغیری که به دنبال ترک تابعیت مادر به استناد تبصره ب ماده ۹۸۸ از تابعیت ایران خارج شده، ساکت است). این ماده درباره امکان بازگشت به تابعیت

کسانی که تابعیت ایرانی آن‌ها سلب شده، ساکت است، هرچند برخی این امکان را دست‌کم در برخی از موارد سلب تابعیت، مجاز می‌دانند (سلجوقی، ۱۳۸۶: ۲۲۵) که به توضیحی که خواهد آمد، قابل انتقاد به نظر می‌رسد.

ب. ماده ۹۸۷ قانون مدنی. از ذیل عبارت متن ماده ۹۸۷ و نیز مفاد تبصره یک آن نیز، دو دسته دیگر که می‌توانند بازگشت به تابعیت ایران کنند، مشخص می‌شود:

- زن ایرانی که در نتیجه ازدواج، خود به خود و بدون اراده از تابعیت ایران خارج شده است (متن ماده ۹۸۷).

- زن ایرانی که به سبب ازدواج و البته با اراده و اختیار خود، از تابعیت ایران خارج شده است (تبصره ۱ ماده ۹۸۷).

اگرچه وجود مواد ۹۹۰ و ۹۸۷ در قانون مدنی، حقوق ایران را از امتیاز توجه مستقل به تابعیت رجوعی برخوردار می‌کند، اما متأسفانه این دو ماده از جهات متعدد از جمله تعیین نوع تابعیت ایرانی سابق، شرایط عام و خاص بازگشت به تابعیت ایرانی، ماهیت واحد یا متفاوت بازگشت به تابعیت ایرانی و همچنین آثار شخصی خانوادگی مترتب بر بازگشت به تابعیت ایرانی، از برخی اجمال‌ها و کاستی‌ها و احیاناً ناراستی‌ها، رنج می‌برد و قابل انتقاد به نظر می‌رسد؛ انتقادهایی که ضرورت تغییر و اصلاح این مواد را آشکار می‌کند. در ادامه نخست موارد تابعیت رجوعی را تبیین می‌کنیم و به دنبال آن از شرط اهلیت، نوع تابعیت ایرانی پیشین، ماهیت تابعیت رجوعی و در نهایت آثار شخصی و خانوادگی تابعیت رجوعی سخن خواهیم گفت.

## ۲. بازگشت به کدام تابعیت ایرانی؟

بدیهی است کسی می‌تواند به تابعیت ایران رجوع کند که پیش‌تر به‌گونه‌ای از تابعیت ایران برخوردار بوده و به هر دلیل آن را از دست داده است. تابعیت ایرانی پیشین فرد ممکن است از نوع تابعیت اصلی و یا اکتسابی (به مفهوم عام) باشد. تابعیت اصلی هم ممکن است از نوع شایع‌ترین تابعیت اصلی، یعنی تابعیت بر مبنای سیستم خون (بند ۲ ماده ۹۷۶)، یا تابعیت اصلی مبتنی بر سیستم خاک (بندهای ۳، ۴ و ۵ ماده

۹۷۶ و نیز ماده ۹۷۸) باشد، همچنان که تابعیت اکتسابی هم ممکن است از نوع شایع‌ترین تابعیت اکتسابی، یعنی تابعیت تحصیلی (مستند به ماده ۹۷۹)، یا تابعیت تبعی (مستند به ماده ۹۸۴)، یا تابعیت تحقیقی ناشی از ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی (مستند به بند ۶ ماده ۹۷۶) باشد. اکنون پرسش این است که آیا امکان بازگشت به تابعیت ایرانی، شامل هر کسی می‌شود که پیش‌تر از یکی از انواع تابعیت ایرانی برخوردار بوده است یا آن‌که این امکان تنها به دسته یا چند دسته خاص تعلق می‌گیرد؟ دلیل پیدایش این پرسش، ابهام در مفهوم عبارت «تابعیت اصلیه» است که در ماده ۹۸۷ قانون مدنی («تابعیت اصلیه زن.... به او تعلق خواهد گرفت») و ماده ۹۹۰ («بخواهند به تبعیت اصلیه خود رجوع کنند») آمده است. این ابهام سبب اختلاف نظر شارحان این مواد و پیدایش دو دیدگاه متقابل شده است.

## ۲-۱. دیدگاه اول: مفهوم محدود (تابعیت اصلی)

برخی بر این عقیده‌اند که از عبارت «تابعیت اصلیه» مذکور در مواد ۹۸۷ و ۹۹۰ قانون مدنی، تابعیت اصلی به ذهن متبادر شود (سلجوقی، ۱۳۸۶: ۲۲۵ و ۲۲۸). برخی دیگر از صاحبان این دیدگاه به صراحت می‌گویند: «بازگشت به تابعیت ایران با سهولت مخصوص کسانی است که تابعیت ایرانی قبلی آن‌ها از نوع تابعیت اصلی باشد نه اکتسابی» (مدنی، ۱۳۷۸: ۱۲۲).

پذیرش این سخن، به معنای پایان یافتن اجمال مواد قانونی مذکور نیست، زیرا همچنان این پرسش می‌تواند وجود داشته باشد که آیا مراد از تابعیت اصلی، همه شاخه‌های تابعیت تولدی است که در بندهای ۲ و ۳ و ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ و نیز ماده ۹۷۸ آمده است، یا آن‌که فقط مخصوص تابعیت اصلی به معنای خاص، یعنی فقط تابعیت پدری موضوع بند ۲ ماده ۹۷۶ است؟

## ۲-۲. دیدگاه دوم: مفهوم موسع (تابعیت اصلی و اکتسابی)

برخی دیگر بر این عقیده‌اند که مراد از این عبارت، تابعیت ایرانی سابق فرد است که در مقایسه با تابعیت مجدد و رجوعی او، تابعیت اصلیه محسوب می‌شود، خواه

تابعیت ایرانی سابق او از نوع تابعیت اصلی باشد یا اکتسابی؛ بنابراین اگرچه «ممکن است از عبارت «تابعیت اصلیه» چنین برداشت شود که مقررات این ماده مربوط به ایرانیانی است که تابعیت آن‌ها اصلی باشد. ... اما به جای جمود بر الفاظ باید به فلسفه این مقررّه توجه کرد و به این دسته از افراد نیز امکان داد تا به مجرد درخواست بتوانند به تابعیت ایران بازگردند» (شریعت باقری، ۱۳۹۵: ۸۰ - ۸۱). پس مراد از تابعیت اصلیه، تابعیت پیشین به مفهوم عام آن است.

در این میان، به نظر می‌رسد دیدگاه دوم، به‌ویژه در رابطه با ماده ۹۸۷، به حقیقت نزدیک‌تر باشد، زیرا ممکن است تابعیت ایرانی سابق زن، تابعیت تحصیلی یا تبعی یا تحقیقی بوده باشد. البته وحدت سیاق دو ماده می‌تواند قرینه‌ای باشد بر این‌که مراد از تابعیت اصلیه در ماده ۹۹۰ نیز تابعیت ایرانی پیشین فرد است، خواه مصداق یکی از شاخه‌های تابعیت اصلی باشد یا یکی از شاخه‌های تابعیت اکتسابی. خلاصه کلام آن‌که بر این اساس، نوع تابعیت ایرانی سابق فرد، در چگونگی برخورداری او از تابعیت رجوعی تأثیرگذار نیست، اگرچه می‌تواند در آثار مترتب بر آن، مؤثر باشد. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود که عبارت «تابعیت پیشین» جایگزین «تابعیت اصلیه» شود و به این ترتیب اجمال مواد فوق مرتفع شود.

### ۳. ارکان بازگشت به تابعیت ایران

هم بر اساس تحلیل منطقی و هم مستفاد از دو ماده ۹۸۷ و ۹۹۰ قانون مدنی، برای تحقق تابعیت رجوعی یا بازگشت به تابعیت ایران دو رکن وجود دارد: رکن مشترک و رکن اختصاصی.

#### ۳-۱. رکن مشترک (درخواست متقاضی)

همان‌گونه که در تحقق تابعیت تحصیلی درخواست فرد رکن اصلی و نقطه شروع روند قانونی کسب تابعیت ایران است، در تحقق تابعیت رجوعی نیز، درخواست شخص برای برخورداری از تابعیت ایران است رکن اصلی و نقطه شروع روند



بازگشت به تابعیت ایران است. پس درخواست متقاضی رکن مشترک تابعیت تحصیلی و رجوعی است.

### ۳-۲. رکن اختصاصی (برخورداری قبلی از تابعیت ایران)

رکن اختصاصی تحقق تابعیت رجوعی، برخورداری قبلی شخص از تابعیت دولت ایران است، زیرا اصولاً بازگشت به تابعیت ایران، بدون داشتن تابعیت قبلی ایرانی مفهومی نخواهد داشت.

### ۴. شرایط عام و خاص بازگشت به تابعیت

قانون‌گذار در ماه ۹۷۹ قانون مدنی برای تحصیل تابعیت ایران وجود شرایطی را (اهلیت، اقامت، سلامت سیاسی و سلامت اخلاقی) مقرر کرده است. حال با توجه به این که روند بازگشت به تابعیت ایران، همچون تحصیل ابتدایی تابعیت ایران، با اراده و اختیار فرد متقاضی آغاز می‌شود این پرسش پدید می‌آید که آیا شرایط مذکور در ماده ۹۷۹ برای بازگشت‌کننده به تابعیت ایران نیز معتبر است؟

این پرسش از آن جهت مطرح می‌شود که هیچ‌یک از دو ماده ۹۸۷ و ۹۹۰ قانون مدنی، از هیچ شرطی، چه شرایط ماده ۹۷۹ و چه شرایطی دیگر و حتی شرط اهلیت سخن نگفته است، بلکه به‌گونه‌ای از تابعیت ایرانی درخواست‌کنندگان رجوع به تابعیت ایران «به صرف تقدیم درخواست» و یا «به مجرد درخواست»، سخن گفته‌اند که گویا آنان را از دارا بودن همه شرایط تحصیل تابعیت ایران مندرج در ماده ۹۷۹ قانون مدنی و از جمله بند (۱) آن مبنی بر این که تحصیل‌کننده تابعیت ایران باید «به سن هجده سال تمام رسیده باشد»، معاف دانسته‌اند. در این میان، تنها در ماده ۹۸۷ درباره بازگشت زنی که در نتیجه ازدواج به صورت خود به خودی و تحقیقی از تابعیت ایران خارج شده است، شرط انحلال نکاح مذکور به سبب تفریق یا فوت شوهر (نداشتن شوهر) شرط شده است. از این جهت تبیین شرایط لازم برای بازگشت به تابعیت ایران، منطقاً باید در دو فراز مستقل (شرایط عام [اهلیت و دیگر شرایط ماده ۹۷۹] و شرایط خاص [نداشتن

شوهر]]، مورد بحث قرار گیرد.

#### ۴-۱. شرایط عام

در ماده ۹۷۹ برای برخوردار شدن اولیه از تابعیت ایران، از اهلیت و سه شرط دیگر سخن گفته شده است. اکنون باید دید که آیا وجود این شرایط برای برخورداری ثانویه و یا بازگشت به تابعیت ایران نیز لازم است؟ بررسی تفکیکی ذیل در جستجوی دریافت پاسخ این پرسش است.

#### ۴-۱-۱. شرط اهلیت

اطلاق عبارت «به مجرد درخواست» در ماده ۹۹۰ قانون مدنی و عبارت مشابه «به صرف تقدیم درخواست» در ماده ۹۸۷ این قانون، به گونه‌ای است که گویا درخواست‌کنندگان بازگشت به تابعیت ایران را، در همه حالات از همه شرایط تحصیل تابعیت ایران مندرج در ماده ۹۷۹ قانون مدنی و از جمله بند (۱) آن مبنی بر این‌که تحصیل‌کننده تابعیت ایران باید «به سن هجده سال تمام رسیده باشد»، معاف دانسته، در حالی که به نظر می‌رسد پایه اصلی و اولیه تابعیت رجوعی، همچون تابعیت تحصیلی، اراده فرد است که در تقاضای او از دولت ایران تجلی می‌یابد. بدیهی است درخواست فرد و اراده او نسبت به تابعیت رجوعی - که همچون تابعیت تحصیلی - ماهیت عقدی دارد، در صورتی مسموع، نافذ و مؤثر است که شخص از اهلیت کامل و رشد برخوردار باشد (سلجوقی، ۱۳۸۶: ۲۲۶). از این رو به نظر می‌رسد با این‌که قانون‌گذار در تابعیت رجوعی، به صراحت از شرط اهلیت سخن نگفته است، اما منطقیاً باید آن را معتبر دانست و در نتیجه درخواست‌دختری ایرانی که پیش از ۱۸ سالگی با مرد خارجی ازدواج کرده و به استناد ماده ۹۸۷ از تابعیت ایران خارج شده و اکنون پس از تفریق و جدایی از شوهرش، خواستار رجوع به تابعیت ایران است و یا درخواست فرزندی که پیش از ۱۸ سالگی به دنبال پدر یا مادر (به صورت تبعی و الحاقی) از تابعیت ایران خارج شده و هم‌اکنون خواستار بازگشت به تابعیت ایرانی خویش است تا

رسیدن آنان به سن ۱۸ سالگی تمام قابل پیگیری ندانست؛ اما در پاسخ این تصور می‌توان گفت، لازمه قطعی عقدی بودن تابعیت رجوعی، داشتن سن هجده سال تمام نیست، چنان‌که برای وقوع عقد نکاح، داشتن وصف بلوغ کافی است، هرچند زیر هجده سال تمام داشته باشد. پس می‌توان نسبت به شرط سنی، ارفاقی را در نظر گرفت، آن‌چنان‌که قانون تابعیت فرانسه، نسبت به شرط سنی هجده سال در تابعیت رجوعی تخفیف قائل شده و در ماده ۱-۲۴ مقرر می‌دارد: «رجوع از طریق حکم در هر سنی و بدون شرط دوره آزمایش می‌تواند تحصیل شود...». بدیهی است این تخفیف در میان عناصر مختلف اهلیت، فقط نسبت به شرط سنی قابل اعمال است و شامل شرط عقل نمی‌شود، بنابراین شامل درخواست مستقیم غیر عاقل نمی‌شود، مگر آن‌که ولی او برای رجوع او به تابعیت ایران اقدام کند. به هر حال تصریح قانون‌گذار به اعتبار یا عدم اعتبار شرط سنی هجده سال مناسب به نظر می‌رسد.

#### ۴-۱-۲. سایر شرایط ماده ۹۷۹

همان‌گونه که گفته شد اطلاق عبارت «به مجرد درخواست» در ماده ۹۹۰ قانون مدنی و عبارت مشابه «به صرف تقدیم درخواست» در ماده ۹۸۷ این قانون، به‌گونه‌ای است که گویا درخواست‌کنندگان بازگشت به تابعیت ایران را، از همه شرایط تحصیل تابعیت ایران مندرج در ماده ۹۷۹ قانون مدنی معاف دانسته است. اگرچه این تفاوت (اعتبار شرایط چهارگانه در تابعیت تحصیلی و عدم اعتبار آن در تابعیت رجوعی) و تسهیل در بازگشت فرد به تابعیت ایران، به خاطر وجود سابقه تابعیت ایرانی، به خوبی قابل درک است، با این همه به نظر می‌رسد که این اطلاق و نامشروط بودن وسیع چندان هم به مصلحت نیست و باید میان شرایط چهارگانه لازم برای تحصیل تابعیت ایران (مذکور در ماده ۹۷۹) قائل به تفکیک شد. درباره شرط اهلیت و داشتن سن هجده سال تمام، دربند پیش سخن گفته شد، اما از میان سه شرط دیگر، به همان میزان که به راحتی می‌توان از دو شرط مکنت اقتصادی و انجام خدمت سربازی صرف‌نظر کرد، نمی‌توان به صرف داشتن سابقه تابعیت ایرانی، از شرط سلامت اخلاقی عبور کرد

و او را به تابعیت ایران پذیرفت. پس ذکر شرط سلامت اخلاقی مناسب و ضروری است.

در پاسخ به این دغدغه پسندیده، شاید بتوان گفت که چون دولت موظف به موافقت با درخواست فرد نیست و اگر متوجه سوء سابقه اخلاقی متقاضی بازگشت به تابعیت ایران شود، می‌تواند با درخواست او موافقت نکند، پس ذکر شرط اخلاقی ضروری نیست؛ اما حقیقت این است که این پاسخ برای رفع آن دغدغه کافی نیست، زیرا با عدم اعتبار شرط سلامت اخلاقی، منعی از موافقت دولت وجود ندارد، در حالی که اگر سلامت اخلاقی شرط شود، دولت هم نمی‌تواند با درخواست متقاضی موافقت کند. از این رو به نظر می‌رسد که مواد قانونی مربوط از این جهت نیز، نیازمند اصلاح و تصریح به اعتبار شرط سلامت اخلاقی هستند.

#### ۴-۲. شرط خاص (نداشتن شوهر)

ناگفته پیداست شرط نداشتن شوهر مخصوص زنی است که قصد دارد مجدداً به تابعیت ایران درآید؛ اما از یک سو این پرسش وجود دارد که آیا این شرط مخصوص دسته خاصی از زنان است و یا همه زنان را شامل می‌شود؟ و از سوی دیگر، مراد از شوهر، چه شوهری است و آیا نداشتن شوهر جدید را نیز شامل می‌شود؟ ادامه بحث به پاسخ این دو پرسش پرداخته است.

#### ۴-۲-۱. مورد اصلی شرط

متن اصلی ماده ۹۸۷ قانون مدنی به صراحت بازگشت به تابعیت ایرانی زنی را که در نتیجه ازدواج به صورت خود به خودی از تابعیت ایران خارج شده است، صریحاً به «وفات شوهر و یا تفریق» مشروط کرده است. در نتیجه چنین زنی نمی‌تواند قبل از انحلال نکاح، بازگشت به تابعیت ایران را درخواست کند و لزوماً و صرفاً پس از انحلال نکاح و یا فوت شوهر می‌تواند برای بازگشت به تابعیت ایران اقدام کند.

منطق اجتماعی اعتبار این شرط هم تا اندازه زیادی روشن است، زیرا اصولاً فلسفه

موافقت قانون‌گذار ایران با خروج زن از تابعیت ایران، مراعات اصل وحدت تابعیت کانون خانواده بوده است و بدیهی است ایرانی شناختن مجدد او بدون انحلال نکاح، به اختلاف تابعیت در کانون خانواده می‌انجامد که مخالف فلسفه پذیرش خروج زن از تابعیت ایران در نتیجه ازدواج است. افزون بر آن که اگر دولت خارجی همچنان او را تبعه خود بداند، سبب پیدایش تابعیت مضاعف نیز می‌شود.

با این همه اگرچه شرط انحلال نکاح که می‌توان آن را به شرط نداشتن شوهر نیز تأویل و تعبیر کرد، در مورد مذکور هم مصرح و هم موجه است، اما در اعتبار آن برای موارد مشابه، از جمله سه مورد زیرین (شوهر جدید، زن موضوع تبصره ماده ۹۸۷ و زن موضوع ماده ۹۹۰)، تردید وجود دارد و نیازمند تصریح قانون‌گذار است.

الف. مانع بودن شوهر جدید؟ شرط انحلال نکاح که نتیجه آن نداشتن شوهر است، این پرسش را پدید می‌آورد که اگر زن ایرانی پس از انحلال نکاحی که در نتیجه آن از تابعیت ایران خارج شده است، مجدداً با مرد خارجی دیگری از اتباع همان دولت و یا دولت دیگری ازدواج کرده باشد، آیا می‌تواند بازگشت به تابعیت ایران را درخواست کند؟

این تردید و پرسش از آن جهت مطرح می‌شود که شوهری که در نتیجه ازدواج با او، زن ایرانی از تابعیت ایران خارج شده دیگر وجود ندارد تا وجودش مانع پذیرش درخواست بازگشت به تابعیت زن شود و شوهری که هم‌اکنون وجود دارد، ازدواج با او هیچ نقشی در خروج زن از تابعیت دولت ایران نداشته است، حتی اگر زن در نتیجه ازدواج جدید، به دلیل آن که شوهرش تبعه دولت ثالثی است، به تابعیت دولت ثالث درآمده باشد، پس بازگشت این زن به تابعیت ایران با وجود شوهر جدید، با فلسفه خروج زن از تابعیت ایرانی، یعنی رعایت اصل وحدت تابعیت کانون خانواده منافاتی ندارد.

به عبارت دیگر، بحث در این است که مراد از شرط «وفات شوهر و یا تفریق»، مطلق نداشتن شوهر است تا در نتیجه وجود شوهر جدید هم مانع پذیرش درخواست زن شود و یا این که مراد خصوص نداشتن همان شوهری است که ازدواج با او، سبب

خروج زن از تابعیت ایران شده است؟ ظاهر عبارت «وفات شوهر و یا تفریق» با احتمال دوم موافق تر است، پس در نتیجه وجود این شوهر جدید، منطقاً نمی‌تواند مانع درخواست زن و یا موافقت با درخواست او برای بازگشت به تابعیت ایران باشد در عین حال، پاسخ صحیح و منطقی هر چه باشد، مسلم است که قانون نسبت به آن ساکت است و یا دست‌کم، صراحتی ندارد، پس مناسب است که قانون‌گذار به صراحت حکم قضیه را بیان کند.

#### ۴-۲-۲. شمول شرط نسبت به زن موضوع تبصره ۱ ماده ۹۸۷ قانون مدنی

این تبصره، با عبارت: «هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج، زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد، به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد»، صرفاً از امکان موافقت دولت ایران با خروج این زن از تابعیت ایران سخن می‌گوید و برعکس اصل ماده که از بازگشت به تابعیت ایران هم سخن گفته است، این تبصره درباره بازگشت به تابعیت ایرانی این زن ساکت است. این سکوت، این تردید و پرسش را پدید می‌آورد که آیا شرط نداشتن شوهر (به هر معنایی که باشد)، شامل زنی که به استناد این تبصره و با اراده و اختیار خود از تابعیت ایران خارج شده و هم‌اکنون متقاضی بازگشت به تابعیت ایران است نیز می‌شود؟

از سوی دیگر، شباهت و نیز تفاوت زن موضوع متن اصل ماده با زن موضوع تبصره نیز بر این ابهام و پرسش مذکور تأکید می‌کند، شباهت از آن جهت که در خروج آن‌ها از تابعیت ایرانی، ازدواج با مرد بیگانه نقش داشته است و تفاوت از این جهت که خروج زن موضوع ماده از تابعیت ایران، «در نتیجه ازدواج» و به صورت خود به خودی و بدون اراده مستقیم او بوده است، در حالی که خروج زن موضوع تبصره از تابعیت ایران، اگرچه «به سبب ازدواج» است، اما با اراده مستقیم زن صورت گرفته است. آن سکوت و این تشابه و تفاوت موجب پیدایش این پرسش می‌شود که آیا بازگشت به

تابعیت ایرانی زن موضوع تبصره هم مشروط به انحلال نکاح و نداشتن شوهر است؟ و یا آن که حتی بدون انحلال نکاح و با داشتن شوهر هم می‌تواند به تابعیت ایرانی خود رجوع کند؟

هیچ یک از دو گزینه قطعی نیست، هرچند سکوت تبصره با گزینه اخیر موافق‌تر است، اما منطبق حقوقی شرط جدایی از شوهر مذکور را ایجاب می‌کند. در این مورد نیز، پاسخ صحیح هر چه باشد، تصریح قانون‌گذار را لازم دارد.

#### ۴-۲-۳. شمول شرط نسبت به زن موضوع ماده ۹۹۰ قانون مدنی

ماده ۹۹۰ قانون مدنی، بی آن‌که از مرد یا زن بودن متقاضی و نیز با همسر و فرزند و یا بی همسر و فرزند بودن او سخنی گوید، امکان بازگشت به تابعیت همه متقاضیان موضوع این ماده را، بدون اشاره به هیچ‌گونه شرطی مطرح کرده است. حال این پرسش پدید می‌آید آیا بازگشت به تابعیت ایرانی دختر مجردی که به تبع پدرش و یا با اراده خودش از تابعیت ایران خارج شده و یا زنی که به همراه شوهرش و یا مستقلاً از تابعیت ایران خارج شده است نیز، مشروط به نداشتن شوهر است؟ و بنابراین اگر آن دختر ازدواج کرده و شوهر خارجی داشته باشد، یا آن زن از همسرش جدا نشده باشد و یا در صورت جدا شدن با فرد دیگری ازدواج کرده باشد، به استناد این ماده نمی‌تواند به تابعیت ایران بازگشت کند؟ و یا آن‌که بازگشت این‌گونه زنان به تابعیت ایرانی، به دلیل آن‌که مشمول ماده ۹۸۷ نیستند، مشروط به نداشتن شوهر نیست و حتی با داشتن فرزند و شوهر هم می‌تواند به استناد ماده ۹۹۰ برای بازگشت به تابعیت ایرانی اقدام کند؟

به نظر می‌رسد در پاسخ به این پرسش، باید به تفصیل گرایید. اگر شوهر، همان شوهر ایرانی او است که از تابعیت ایران خارج شده و زن هم به صورت تبعی و یا الحاقی به دنبال او از تابعیت خارج شده باشد، منطبق رعایت اصل وحدت تابعیت کانون خانواده ایجاب می‌کند که چنین زنی -جز در صورت انحلال نکاح- حق رجوع به تابعیت ایرانی نداشته باشد و در صورت اصرار، می‌تواند به استناد ماده ۹۷۹ برای

تحصیل تابعیت ایران (و نه بازگشت به تابعیت ایران) اقدام کند؛ اما اگر زن در هنگام خروج از تابعیت ایران، شوهر نداشته و بعد از خروج از تابعیت ایران شوهر اختیار کرده باشد و یا همان‌طور که گفته شد به هر دلیل (طلاق یا فوت)، نکاحش منحل و از شوهر سابقش جدا شده و شوهر جدیدی اختیار کرده باشد، منطقیاً وجود شوهر نمی‌تواند مانع رجوع زن به تابعیت ایران شود. از این رو اصلاح قانون و تصریح به این‌که «داشتن شوهر جدید و نیز داشتن فرزند زیر هجده سال تمام، مانع بازگشت زن به تابعیت ایرانی نیست»، مناسب به نظر می‌رسد.

دلیل قانونی دیگری که این تفاوت در حقوق کنونی ایران را توجیه می‌کند این است که موضوع ماده ۹۹۰ قانون مدنی که نداشتن شوهر را شرط نمی‌کند، فقط زنانی که با «تبدیل تابعیت» و به صورت ارادی (رد تابعیت و ترک تابعیت)، یا تبعی و یا الحاقی از تابعیت ایران خارج شده‌اند است و شامل زنانی که به استناد ماده ۹۸۷ قانون مدنی، «در نتیجه» و یا «به سبب» ازدواج از تابعیت ایران خارج شده‌اند، نمی‌شود تا بازگشت به تابعیت ایرانی اینان هم به نداشتن شوهر مشروط نباشد.

##### ۵. ماهیت بازگشت به تابعیت ایرانی: حق یا امتیاز ارفاقی ویژه؟

در این‌که در اعطای تابعیت ایرانی به متقاضیان بازگشت به تابعیت ایران (مواد ۹۸۷ و ۹۹۰ مربوط به تابعیت رجوعی) در مقایسه با اعطای تابعیت ایران به کسانی که برای اولین بار می‌خواهند به تابعیت ایران در آیند (ماده ۹۷۹ مربوط به تابعیت تحصیلی)، از نظر شرایط برخورداری از تابعیت ایران نوعی تسهیل و ارفاق در نظر گرفته شده است، تردیدی نیست، اما پرسش این است که آیا این ارفاق و تسهیل در برخورداری از تابعیت ایران، فقط در حد یک «امتیاز ویژه» در برابر «امتیاز عمومی» موضوع ماده ۹۸۰ است؟ یا آن‌که می‌توان برخورداری از تابعیت ایران را به‌مثابه یک «حق» برای آنان به شمار آورد؟ البته با فرض «حق» به شمار آمدن، این پرسش هم وجود دارد که آیا همه افراد موضوع دو ماده ۹۸۷ و ۹۹۰ به یک اندازه و همانند از این حق برخوردارند و یا آن‌که بسته به موقعیت، حق آن‌ها متفاوت است؟



در پاسخ به پرسش اول (حق یا امتیاز ویژه بودن) می‌توان گفت: ظاهر عبارت «به صرف تقدیم درخواست» در ماده ۹۸۷، همچون عبارت «به مجرد درخواست» مذکور در ماده ۹۹۰، حاکی از آن است که برخورداری از تابعیت رجوعی، حق این افراد است (برخلاف تحصیل‌کنندگان ابتدایی دولت ایران) و در نتیجه دولت موظف است که با درخواست آن‌ها موافقت کند، با این تفاوت که این حق برای زنان موضوع ماده ۹۸۷ با تأکید بیشتری مورد توجه قرار گرفته است، زیرا در این ماده هیچ‌گونه حق وتو و مخالفتی برای دولت پیش‌بینی نشده است، در حالی که در تابعیت رجوعی موضوع ماده ۹۹۰ برای دولت حق وتو و مخالفت گذاشته است (نصیری، ۱۳۷۲: ۷۸)، به‌گونه‌ای که در صورتی که دولت اعطای تابعیت ایرانی به آن‌ها را صلاح نداند، نه تنها می‌تواند از قبول آنان به تابعیت ایران خودداری کند، بلکه حتی به گفته برخی «... لازم نیست جهات و دلایل عدم موافقت را اعلام کند و متقاضی بازگشت هم نمی‌تواند از تصمیم دولت شکایت کند و تجدید رسیدگی را بخواهد» (مدنی، ۱۳۷۸: ۱۲۱). با این همه مناسب‌تر به نظر می‌رسد که با حفظ حق وتوی دولت، حق پیگیری و شکایت برای متقاضیان بازگشت به تابعیت نیز در نظر گرفته شود.

در پاسخ به پرسش دوم (همانندی یا تفاوت در حق رجوع به تابعیت ایرانی)، به لحاظ منطقی این‌گونه به نظر می‌رسد که هر قدر تابعیت ایرانی سابق متقاضیان بازگشت به تابعیت ایران، سخت‌تر و مستحکم‌تر (مثلاً تابعیت اصلی مستند به بند ۲ ماده ۹۷۶) و خروجشان از تابعیت ایران سهل‌تر و سست‌تر (مثلاً خروج بدون اراده زن ایرانی به دلیل ازدواج با یک مرد خارجی، مستند به ماده ۹۸۷) باشد، از حق قوی‌تری برخوردارند و در مقابل، هر قدر تابعیت ایرانی سابق، سست‌تر (مثلاً تابعیت تبعی زن مستند به ماده ۹۸۴) و خروجش از تابعیت ایران شدیدتر (مثلاً رد ارادی همین تابعیت مستند به ماده ۹۸۴) باشد، از حق ضعیف‌تری بهره‌مند خواهند بود.

در حقوق کنونی ایران، در مقام تبیین و تحدید حق بازگشت به تابعیت ایرانی، در هیچ‌یک از دو ماده ۹۸۷ و ۹۹۰ به معیار نخست، یعنی درجه استحکام تابعیت ایرانی سابق فرد توجه نشده است و از این جهت قابل انتقاد به نظر می‌رسد، اما تا حدودی-

و نه به طور کامل - معیار دوم، یعنی درجه شدت خروج فرد از تابعیت ایران، مورد توجه قرار گرفته و در نتیجه حق مذکور به سه صورت حق کامل و شفاف، حق کامل و غیر شفاف و حق ناقص، به شرحی که خواهد آمد، انعکاس یافته است.

#### ۵-۱. حق کامل و شفاف (موضوع متن اصلی ماده ۹۸۷)

مستفاد از ظاهر عبارت مطلق و بدون شرط مذکور در ماده ۹۸۷ که مقرر می‌دارد: «به صرف تقدیم درخواست... تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت»، این است که تابعیت رجوعی، حق زنی است که ناخواسته و در نتیجه ازدواج از تابعیت ایران خارج شده و اینک خواستار بازگشت به تابعیت ایران است و به همین جهت دولت موظف است به سادگی و بدون شرایط مربوط به تابعیت تحصیلی و به صرف تقدیم درخواست زن به وزارت امور خارجه...؛ با درخواست او موافقت کند و تابعیت اصلیه زن را با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن، به او بازگرداند و حق مخالفت با درخواست او را ندارد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۳۳) و این دقیقاً به معنای آن است که برخورداری از تابعیت رجوعی ایرانی برای زن موضوع ماده ۹۸۷، حق کاملی است که نیازمند هیچ مکمل یا شرطی نیست. البته برخی در صورتی بازگشت به تابعیت ایران را حق زن دانسته‌اند که تابعیت ایرانی سابق زن، تابعیت اصلی باشد، در غیر این صورت باید به استناد ماده ۹۷۹ برای تحصیل تابعیت ایران اقدام کند (سلجوقی، ۱۳۸۶: ۲۲۸)، اما پیش‌تر گذشت که به احتمال قوی‌تر مراد از تابعیت اصلیه، تابعیت پیشین است، پس حتی اگر تابعیت ایرانی سابق زن، تابعیت اکتسابی باشد نیز حق بازگشت به تابعیت ایران را دارد با این تفاوت که حقوق و امتیازات او در مقایسه با زنی که تابعیت سابق او، تابعیت اصلی بوده است، کمتر خواهد بود.

از همین رو پیشنهاد می‌شود که عدم موافقت دولت با تقاضای درخواست بازگشت به تابعیت ایرانی - برخلاف عدم موافقت با تحصیل تابعیت - در محکمه مشخصی قابل شکایت و پیگیری باشد (سلجوقی، ۱۳۸۶: ۲۲۷).

## ۵-۲. حق کامل و غیرشفاف

پیش‌تر گفته شد که تبصره ۱ ماد ۹۸۷، صرفاً از امکان موافقت دولت ایران با خروج زن موضوع خود از تابعیت ایران سخن می‌گوید، اما درباره بازگشت او به تابعیت ایران سخنی نگفته و ساکت است. نخستین پرسشی که از این سکوت زاده می‌شود، این است که تابعیت رجوعی این زن، آیا مشمول متن اصلی ماده ۹۸۷ قانون مدنی است؟ یا آن‌که مشمول ماده ۹۹۰ قانون مدنی است؟ و یا این‌که در میانه این دو قرار دارد و دارای حکم مستقلی است؟

اگرچه در نگاه نخستین به نظر می‌رسد زن ایرانی موضوع این تبصره، از آن جهت که «به سبب» ازدواج با مرد خارجی تابعیت ایرانی خود را ترک و تابعیت دولت متبوع شوهر خود را کسب کرده است، همانند زن موضوع متن ماده ۹۸۷ است، پس از جهت بازگشت به تابعیت ایران، با تنقیح مناط، مشمول حکم متن ماده ۹۸۷ بوده و تابعیت رجوعی ایران، حق او است، اما دقت در مسئله و تفاوت‌های موجود بین زن موضوع متن ماده و زن موضوع تبصره، چندان با این دیدگاه موافق نیست، یا دست‌کم آن را با تردید مواجه می‌سازد، زیرا اگرچه ترک تابعیت زن ایرانی، هم در متن ماده و هم در تبصره آن، به گونه‌ای به ازدواج با مرد خارجی مربوط می‌شود، اما این تفاوت بین آن دو وجود دارد که ترک تابعیت زن موضوع متن ماده، ناخواسته و بدون اراده زن و «در نتیجه» ازدواج رخ داده است، اما ترک تابعیت زن موضوع تبصره، اگرچه «به سبب» ازدواج است، اما خودخواسته و با اراده زن پدید آمده است. همین تفاوت (فقدان یا وجود اراده زن در خروج از تابعیت ایران)، چه بسا می‌تواند سبب تفاوت در ماهیت تابعیت رجوعی آن‌ها شود، با این توجیه که زن موضوع متن ماده، چون هیچ‌گونه نقشی در ترک تابعیت ایرانی خود نداشته است، تابعیت رجوعی ایران حق او است که در نتیجه، دولت نمی‌تواند با درخواست او موافقت نکند، اما از آنجا که زن موضوع تبصره با اراده خود تابعیت ایرانی‌اش را ترک گفته است، تابعیت رجوعی حق او نیست و فقط یک امتیاز است و در نتیجه دولت می‌تواند با درخواست او موافقت نکند. با این همه با توجه به این‌که پایان تابعیت زن موضوع تبصره، مسلماً از نوع پایان ارادی [رد تابعیت و

یا ترک تابعیت] و پایان تبعی موضوع ماد ۹۹۰ نیست و به پایان غیرارادی ناشی از ازدواج، (پایان تحقیقی) موضوع ماده ۹۸۷ نزدیک‌تر است، حق بودن تابعیت رجوعی، منطقی‌تر به نظر می‌رسد. نکته دیگری که حق بودن تابعیت رجوعی را در این مورد توجیه می‌کند این است که اگرچه زن موضوع تبصره با اراده و اختیار خود تابعیت ایرانی را ترک کرده و به تابعیت دولت متبوع شوهر خارجی‌اش درآمده است، اما از آنجا که از سر ناسپاسی تابعیت ایران را ترک نکرده است، بلکه برای خروج خود از تابعیت ایران، علل موجهه‌ای را اعلام کرده که مورد قبول دولت هم قرار گرفته است، تفاوت عمده اثرگذاری میان او و زن موضوع متن ماده مشاهده نمی‌شود. پس او هم می‌تواند، همچون زن موضوع متن ماده، از ارفاق‌ها و تخفیف‌های متن این ماده برای بازگشت به تابعیت ایرانی استفاده کند. منتهی با این تفاوت که حق موضوع متن اصلی ماده، حق کامل و تقریباً مصرح و شفاف است اما حق موضوع تبصره، اگرچه کامل است، اما مصرح و شفاف نیست. به هر حال پاسخ این پرسش هرچه باشد، تصریح قانون‌گذار را طلب می‌کند.

### ۳-۵. حق ناقص

اگرچه مستفاد از ظاهر عبارت مطلق «به مجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد»، مذکور در ماده ۹۹۰ قانون مدنی، همچون عبارت «به صرف تقدیم درخواست... تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت»، مذکور در ماده ۹۸۷، این است که تابعیت رجوعی موضوع این ماده نیز، حق بیگانه است، اما این تفاوت وجود دارد که در این ماده با عبارت «مگر آن‌که دولت تابعیت آن‌ها را صلاح نداند» برای دولت حق وتو و مخالفت قرار داده است و همین مطلب تابعیت رجوعی موضوع این ماده را در میانه تابعیت رجوعی ماده ۹۸۷ و تابعیت تحصیلی ماده ۹۷۹ قرار می‌دهد. از این رو و از یک سو، در مقایسه با تابعیت رجوعی موضوع ماده ۹۸۷، می‌توان گفت که تابعیت رجوعی ماده ۹۹۰ حق ناقص و مشروط به عدم مخالفت دولت است، درحالی‌که تابعیت رجوعی ماده ۹۸۷،

حق کامل است که وتوی آن به وسیله دولت امکان‌پذیر نیست. شاید دلیل این تفاوت را بتوان در این نکته جستجو کرد که چون اراده متقاضی تابعیت رجوعی موضوع ماده ۹۸۷ در خروج قبلی او از تابعیت ایران هیچ‌گونه نقشی نداشته یا نقش در جه دوم داشته است، اعطای تابعیت به او در مقایسه با اعطای تابعیت رجوعی به متقاضی موضوع ماده ۹۹۰ که خروج قبلی‌اش از تابعیت ایران، معمولاً و عمدتاً نتیجه اراده فرد بوده است، آسان‌تر انجام می‌شود.

از سوی دیگر و در مقایسه با تابعیت تحصیلی موضوع ماده ۹۷۹، می‌توان گفت تابعیت رجوعی ماده ۹۸۷، امتیازی خیلی متفاوت و قوی‌تر از امتیاز تابعیت تحصیلی است که فردی برای اولین بار تابعیت ایران را به دست می‌آورد، زیرا در این تابعیت رجوعی اصل بر موافقت دولت است، مگر آنکه دولت تابعیت آن‌ها را صلاح نداند، در حالی که در تابعیت تحصیلی چنین اصلی وجود ندارد و دولت می‌تواند با وجود همه شرایط با درخواست متقاضی تحصیل تابعیت ایران موافقت نکند (مدنی، ۱۳۷۸: ۱۲۱؛ نصیری، ۱۳۷۲: ۷۸؛ ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۳۲-۱۳۳).

با این همه این انتقاد به ماده ۹۹۰ وارد می‌شود که هر قدر که تسهیل در بازگشت به تابعیت ایران برای کسانی که بدون اراده خود و به صورت تبعی و الحاقی و به دنبال ترک تابعیت پدر یا مادر، از تابعیت ایران خارج شده‌اند (فرزندان موضوع ماده ۹۸۸)، منطقی و پذیرفتنی است، نسبت به کسانی که با اراده خود اقدام به ترک تابعیت کرده‌اند (پدر و مادر موضوع ماده ۹۸۸)، نه تنها منطقی و پذیرفتنی نیست، بلکه باید نسبت به آن‌ها به دلیل ناسپاسی‌شان، قدری سخت‌گیری انجام شود و یا دست کم آن‌که شرایطی که برای تحصیل تابعیت در ماده ۹۷۹ مقرر شده، برای بازگشت آنان به تابعیت ایرانی نیز، در نظر گرفته شود و همچنین در صورت موافقت با بازگشت آن‌ها به تابعیت ایران، همچون دیگر اتباع تحصیلی به شمار آمده و مشمول محرومیت‌های ماده ۹۸۲ باشند.

#### ۵-۴. موارد تردید در وجود حق بازگشت به تابعیت

در وجود حق بازگشت به تابعیت ایران، در دو مورد زیر تردید وجود دارد: یکی

موردی که فرد بدون رعایت مقررات قانونی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد و دیگر، موردی که فرد فقط از تابعیت دولت ایران خارج شده باشد، بدون آن که تابعیت دولت دیگری را تحصیل کرده باشد.

#### ۵-۴-۱. مورد نخست

قدر مسلم تابعیت رجوعی به عنوان یک حق، موردی است که فرد در نتیجه و یا به سبب ازدواج (ماده ۹۸۷) و یا با اراده خود به صورت قانونی، از تابعیت ایران خارج شده باشد (ماده ۹۹۰)، اما شمول این حق نسبت به کسانی که بدون رعایت مقررات قانونی تابعیت خارجی تحصیل کرده و به استناد تبصره ماده ۹۸۹ تابعیت ایران عملاً از آنان سلب شده باشد، محل تأمل و تردید، بل انکار است، زیرا عبارت پایانی تبصره مذکور که می‌گوید: «به این گونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه اجازه ورود به ایران یا اقامت می‌توان داد» به گونه‌ای از عدم حق رجوع آنان به تابعیت ایران (ماده ۹۹۰) حکایت می‌کند، اگرچه ممکن است به استناد ماده ۹۷۹ و همچون سایر بیگانگان و شاید هم با سخت‌گیری بیشتری، بتوانند از تابعیت تحصیلی ایران برخوردار شوند (سلجوقی، ۱۳۸۶: ۲۲۵ - ۲۲۶).

#### ۵-۴-۲. مورد دوم

به قرینه روشن است که مراد از «تبدیل تابعیت» در ماده ۹۹۰ قانون مدنی، ترک تابعیت ایران و یا خروج الحاقی و تبعی از تابعیت دولت ایران، همراه با کسب تابعیت خارجی است. در این صورت این پرسش مطرح می‌شود، اگر کسی تبدیل تابعیت نکند و بدون کسب تابعیت دولت خارجی، فقط از تابعیت دولت ایران خارج شود و بی تابعیت شود و مجدداً درخواست بازگشت به تابعیت دولت ایران را هم داشته باشد، آیا از حق بازگشت به تابعیت ایران برخوردار و مشمول مفاد این ماده خواهد بود؟ گرچه به استناد قانون کنونی، پاسخ صریحی برای این پرسش وجود ندارد، اما گویا می‌توان با نوعی قیاس اولویت، این دسته را نیز مشمول ماده ۹۹۰ دانست، با این بیان که وقتی

ایرانیانی که لباس تابعیت خارجی پوشیده می‌توانند با شرایطی به تابعیت ایرانی بازگشت کنند، به طریق اولی ایرانیانی که لباس تابعیت خارجی پوشیده‌اند، باید بتوانند با همان شرایط - و حتی شاید با شرایطی سبک‌تر - به تابعیت ایرانی خود بازگردند.

### ۶. آثار شخصی و خانوادگی بازگشت به تابعیت

بازگشت به تابعیت ایران، همچون تحصیل تابعیت ایرانی می‌تواند افزون بر آثار شخصی، آثار خانوادگی نیز داشته باشد. قانون ایران به روشنی آثار مترتب بر تابعیت رجوعی را بیان نکرده است، زیرا ماده ۹۹۰ که به طور کلی درباره آثار شخصی و خانوادگی تابعیت رجوعی، ساکت است و مشخص نمی‌کند که نخست، شخصی که مجدداً تابعیت ایران را به دست آورده است از چه وضعیت حقوقی برخوردار است و مثلاً آیا مشمول محرومیت‌های ماده ۹۸۲ نیز است؟ دوم، برخورداری او از تابعیت رجوعی ایران، چه تأثیری بر تابعیت اعضای خانواده او دارد؟ و ماده ۹۸۷ هم که با عبارت «تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن، مجدداً به او تعلق خواهد گرفت»، اگرچه تا اندازه‌ای آثار شخصی بازگشت به تابعیت را بیان کرده است، اما همچون ماده ۹۹۰ نسبت به آثار خانوادگی ساکت است و معلوم نمی‌کند که فرزندان صغیر زن بازگشت کننده به تابعیت ایران، حتی اگر تابعیت سابق او، تابعیت اصلی مستند به سیستم خون هم باشد، از تابعیت تبعی ایران برخوردار می‌گردند؟

#### ۱-۶. آثار شخصی

در مورد آثار شخصی این نوع از تابعیت، این پرسش وجود دارد که آیا صاحب تابعیت رجوعی نیز همچون صاحب تابعیت تحصیلی از دست‌یابی به مقام‌های مذکور در ماده ۹۸۲ محروم است، یا آن‌که همچون دیگر اتباع ایران، چنین محرومیتی ندارند؟ در پاسخ به این پرسش، در آغاز این‌گونه به نظر می‌رسد که اصل تفسیر مضیق در این‌گونه موارد و استثنایی بودن محرومیت اتباع تحصیلی و نیز اصل همانندی همه اتباع ایران در حقوق و مزایا که با عبارت «اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی کرده یا بکنند

از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر می‌شوند، بهره‌مند می‌شوند» در صدر این ماده منعکس شده است، مقتضی عدم محرومیت اتباع رجوعی باشد، چنان‌که بسیاری از شارحان قانون مدنی به این مطلب تصریح کرده‌اند (عامری، ۱۳۶۲: ۶۸؛ نصیری، ۱۳۷۲: ۷۸؛ ارفع‌نیا، ۱۳۶۹: ۱۲۶ و عزیزی و حاجی عزیزی، ۱۳۹۰: ۲۸۱).

با این همه به نظر می‌رسد تأمل و درنگ در مسئله، بسته به نوع تابعیت ایرانی سابق فرد و نیز چگونگی ترک آن، مقتضی تفصیل در مسئله است؛ به این معنی که اگر عبارت «تابعیت اصلیه» را منحصر به تابعیت اصلی (تولد) بدانیم و تابعیت رجوعی را در عمل به بازگشت به تابعیت اصلی، آن هم تابعیت اصلی مستند به سیستم خون (بند ۲ ماده ۹۷۶) محدود کنیم و یا با فرض آن‌که عبارت «تابعیت اصلیه» را به معنای تابعیت سابقه بگیریم، اما تابعیت ایرانی سابق فرد از نوع تابعیت اصلی و تولدی باشد که با چنین محرومیتی همراه نبوده است، هم اکنون که به همان تابعیت برمی‌گردد نیز، با چنین محرومیت‌هایی همراه نیست و از کلیه حقوق مربوط به اتباع اصلی برخوردار است و در مقایسه با اتباع تحصیلی که تبعه درجه دوم محسوب می‌شوند، تبعه درجه اول به شمار می‌آید؛ اما اگر تابعیت ایرانی سابق او، از نوع تابعیت تحصیلی بوده است که با این محرومیت‌ها همراه بوده است، هم اکنون که به همان تابعیت برمی‌گردد نیز، مشمول همان محرومیت‌ها است و اگر تابعیت سابق او، از نوع تابعیت تبعی و یا تحقیقی بوده است، مشمول حقوق و مزایا و نیز محدودیت‌ها و محرومیت‌های همان تابعیت‌ها است.

تصریح قانون‌گذار به آثار شخصی تابعیت رجوعی در کلیه انواع و حالت‌های آن نیز، بر اساس تفصیل فوق و یا هر دیدگاه دیگری که می‌پسندد، ضروری به نظر می‌رسد.

## ۶-۲. آثار خانوادگی

در مورد آثار خانوادگی به نظر می‌رسد همان آثاری که بر تابعیت تحصیلی مترتب می‌شود، بر تابعیت رجوعی هم مترتب شود، به‌ویژه اگر تابعیت ایرانی سابق او از نوع



تابعیت تولدی باشد که به طریق اولی باید آن آثار بر آن مترتب شود؛ به عبارت دیگر، اگر بازگشت‌کننده به تابعیت ایران، شوهر و پدر باشد، زن و فرزندان صغیر او نیز تبعه ایران خواهند شد، نظریه ۱۸۹۸/۱۷-۱۷/۱۰ / ۱۳۵۹ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه نیز مؤید چنین دیدگاهی است «با رجوع متقاضی به تابعیت اصلی ایرانی خود و قبول این تقاضا بر حسب ملاک ماده ۹۸۴ قانون مدنی و قیاس اولویت اولاد صغیر طبعاً به تابعیت ایران درخواهند آمد، زیرا ماهیت رجوع به تابعیت اصلی همان تحصیل تابعیت جدید با امتیازات بیشتر است و در موردی که مطابق ماده مذکور در تحصیل تابعیت ابتدایی ایران اولاد صغیر به تابعیت ایران درآیند در مورد رجوع به تابعیت اصلی ایرانی اولاد صغیر به طریق اولی باید به تابعیت ایران درآیند» (عزیزی و حاجی عزیزی، ۱۳۹۰: ۲۸۱).

اما اگر بازگشت‌کننده تابعیت، زنی باشد که پس از خروج از تابعیت ایران با مرد خارجی ازدواج کرده و از او صاحب فرزند زیر ۱۸ سال باشد، اعطای تابعیت تبعی به فرزندان او قابل تأمل است، زیرا اگرچه منطبق استنباط حقوقی، در پرتو مواد قانونی مربوط، مقتضی عدم اعطای تابعیت تبعی به فرزند مادرائی است که تابعیت ایران را تحصیل کرده‌اند و اعطای تابعیت نیازمند دلیل و مستند قانونی است که مفروض عدم آن است، اما تحلیل اجتماعی و سیاسی مسئله مقتضی اعطای تابعیت است، به‌ویژه اگر تابعیت ایرانی سابق مادر، تابعیت اصلی مبتنی بر سیستم خون (بند ۲ ماده ۹۷۶) باشد. البته توجه به این‌که اعطای تابعیت تبعی ماهیت تعلیقی دارد و بازگشت به تابعیت سابق خارجی، به سادگی امکان‌پذیر است، موافقت با این دیدگاه را توجیه می‌کند.

دلیل تفاوت در عدم اعطا یا اعطای تابعیت تبعی به فرزندان مادری که برای اولین بار تابعیت ایران را تحصیل می‌کنند با مادرائی که به تابعیت اصلی خود رجوع می‌کنند در این است که تابعیت رجوعی این زن، در مقایسه با زنی که برای اولین بار تابعیت ایران را تحصیل می‌کند، از استحکام بیشتری برخوردار است و در نتیجه اگر فرزندان او، فاقد پدر باشند، اعطای تابعیت تبعی به فرزند او، منطقی به نظر می‌رسد. این دیدگاه در موردی که دلیل خروج سابق زن از تابعیت ایران، ازدواج او با مرد خارجی بوده

است که در نتیجه خروج از تابعیت یا اصلاً به اراده او ارتباط نداشته یا کمتر ارتباط داشته (پایان تحقیقی یا شبه تحقیقی تابعیت)، به نحو قوی تری مصداق می‌یابد. البته اگر فرزند دارای پدر خارجی باشد، اعطای تابعیت به آن‌ها منطقی به نظر نمی‌رسد. در حقوق فرانسه به تأثیر خانوادگی تابعیت رجوعی تصریح شده و ماده ۳-۲۴ قانون مدنی فرانسه در این باره مقرر می‌دارد: «رجوع از طریق حکم یا اعلام نسبت به فرزندان کمتر از هجده سال در شرایط مقرر در مواد ۱-۲۲ و ۲-۲۲ این باب دارای اثر است» (محسنی، ۱۳۹۵: ۷۳).

### فرجام سخن

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، به نظر می‌رسد هر قدر تابعیت ایرانی سابق سخت‌تر و مستحکم‌تر و خروج از تابعیت، سست‌تر باشد، منطقاً باید شرایط بازگشت راحت‌تر و بهره‌های مترتب بر تابعیت بیشتر باشد و برعکس، هر مقدار که تابعیت سابق سست‌تر و خروج از تابعیت، سخت‌تر و شدیدتر باشد، شرایط بازگشت به تابعیت باید سخت‌تر و بهره‌های مترتب بر تابعیت کمتر خواهد باشد. با توجه به جدول زیر، سه وضعیت کلی پس از جدول قابل تشخیص است.

تابعیت ایرانی سابق (از قوی به ضعیف)	از دست دادن تابعیت (از شدید به خفیف)
۱. تابعیت اصلی سیستم خون (بند ۲ ماده ۹۷۶)	۱. سلب تابعیت (اصل چهل و دوم قانون اساسی)
۲. تابعیت اصلی سیستم خاک (بندهای ۴، ۳ و ۵)	۲. ترک تابعیت (ماده ۹۸۸)
۳. تابعیت تحصیلی (ماده ۹۷۹)	۳. رد تابعیت (ماده ۹۷۷ و ۹۸۴)
۴. تابعیت تحقیقی (بند ۶ ماده ۹۷۶)	۴. خروج شبه تحقیقی از تابعیت (ماده ۹۸۷/ت ۱)
۵. تابعیت تبعی (ماده ۹۸۴)	۵. خروج تحقیقی (ماده ۹۸۷)، تبعی و الحاقی (ماده ۹۸۸، بند ۳ و تبصره ب)

الف. بدترین وضعیت‌ها؛ ضعیف‌ترین تابعیت پیشین با قوی‌ترین خروج: کسانی که

تابعیت ایرانی آن‌ها به وسیله دولت سلب شده و یا با ترک خودخواسته از تابعیت ایرانی خارج شده‌اند، به‌ویژه اگر تابعیت ایرانی سابق آن‌ها، تابعیت تبعی باشد.

ب. وضعیت‌های میانه؛ کسانی که دارای تابعیت اصلی بر مبنای سیستم خاک یا دارای تابعیت تبعی بوده و در موعد مقرر قانونی، تابعیت ایرانی خود را رد کنند.

ج. بهترین وضعیت‌ها؛ قوی‌ترین تابعیت و ضعیف‌ترین خروج: کسانی که دارای تابعیت اصلی، به‌ویژه تابعیت اصلی مستند به سیستم خون (بند ۲ ماده ۹۷۶) بوده و به صورت ناخواسته (خروج تحققی، تبعی و الحاقی) از تابعیت ایران خارج شده‌اند.

برای این سه وضعیت متفاوت، می‌توان به ترتیب سه ماده مستقل زیر را پیشنهاد کرد و یا مفاد دو ماده پیشنهادی نخستین را، در متن قوانین موجود ادغام کرد:

### یک. سه ماده مستقل

۱. متن پیشنهادی برای بدترین وضعیت‌ها: «با درخواست کسانی که به استناد ماده ۹۹۹ تابعیت آن‌ها سلب شده و یا به استناد ماده ۹۸۸ تابعیت ایران را ترک کرده‌اند، موافقت نمی‌شود، مگر آن‌که دولت با دلایل موجهی آن را مصلحت بداند».

۲. متن پیشنهادی برای وضعیت‌های میانه: «با درخواست کسانی که قبلاً دارای تابعیت تعلیقی یا تبعی ایران بوده و به استناد مواد ۹۷۷ و ۹۸۴ قانون کنونی، در مهلت مقرر قانونی تابعیت ایرانی خود را رد کرده باشند، ممکن است بدون ملاحظه شرط اقامت، موافقت شود؛ اما به هر حال مشمول محرومیت‌های ماده ۹۸۲ هستند».

۳. متن پیشنهادی برای بهترین وضعیت‌ها: «کسانی که قبلاً از تابعیت اصلی ایران برخوردار بوده و به دنبال ترک تابعیت پدر یا مادر خود و یا در نتیجه و یا به سبب ازدواج، از تابعیت ایرانی خارج شده باشد و بخواهند به تابعیت پیشین خود رجوع کنند، مشروط به داشتن بلوغ و سلامت عقلانی و اخلاقی، به مجرد درخواست با همان حقوق و تکالیف سابق، به تابعیت ایران قبول خواهند شد و مشمول محدودیت‌های ماده ۹۷۹ نخواهند بود، به‌ویژه اگر همسر، پدر یا مادر و یا یکی از فرزندان متقاضی از تابعیت ایران برخوردار باشند».

تبصره ۱: با درخواست زن مذکور در صورتی موافقت می‌شود که میان او و شوهرش تفریق حاصل شده باشد، خواه مجرد و بدون فرزند باشد، یا آن‌که ازدواج جدیدی کرده و صاحب فرزند باشد.

تبصره ۲: همسر و فرزندان صغیر بازگشت کننده به تابعیت ایران نیز تبعه ایران محسوب شده و مشمول ماده ۹۸۴ می‌باشند.

تبصره ۳: عدم موافقت دولت با تقاضای درخواست بازگشت به تابعیت ایرانی متقاضیان این ماده، در محکمه قابل شکایت و پیگیری است.

## دو. ادغام در قوانین موجود

۱. مفاد ماده پیشنهادی نخست به‌عنوان یکی از شرایط سلبی تحصیل تابعیت ایران، به‌عنوان شرط پنجم، در ذیل ماده ۹۷۹، با این عبارت اضافه شود: «۵- قبلاً تابعیت ایرانی آن‌ها به استناد ماده ؟؟؟ به وسیله دولت ایران سلب نشده و یا به استناد ماده ۹۸۸ تابعیت ایران را ترک نکرده باشند».

۲. مفاد ماده پیشنهادی دوم، به آغاز ماده ۹۸۰ اضافه شود، با این عبارت: «کسانی که قبلاً دارای تابعیت ایران بوده و به استناد مواد ۹۷۷ و ۹۸۴ در مهلت مقرر قانونی تابعیت ایرانی خود را رد کرده باشند و نیز بیگانگانی که به امور عام‌المنفعه ایران... بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیئت وزیران به تابعیت ایران قبول شوند».

۳. مفاد ماده پیشنهادی سوم، بهتر است به جای ماده ۹۹۰ قرار گیرد؛ و در نتیجه لازم است عبارت «ولی در هر صورت... به او تعلق خواهد گرفت»، از ذیل ماده ۹۸۷ حذف شود.

بدیهی است کسانی که به صورت غیرقانونی تبدیل تابعیت کرده باشند و مشمول سلب تابعیت نشوند، چون همچنان دارای تابعیت ایرانی هستند، از موضوع تابعیت رجوعی خارج‌اند، اما به دلیل حساسیت و احتیاط، به استناد ماده ۹۸۹، محدودیت‌های فراوان حتی بیش از بیگانگان خواهند داشت.

### منابع

- آل کجیاف، حسین (۱۳۹۳) تابعیت در ایران و سایر کشورها، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- ابراهیمی، سید نصرالله (۱۳۸۶) حقوق بین الملل خصوصی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- ارفع نیا، بهشید (۱۳۶۹) حقوق بین الملل خصوصی، چاپ اول، جلد اول، تهران: انتشارات آگاه.
- دانش پژوه، مصطفی (۱۳۸۱) اسلام و حقوق بین الملل خصوصی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات وزارت امور خارجه.
- سلجوقی، محمود (۱۳۸۶) حقوق بین الملل خصوصی، چاپ پنجم، جلد اول، تهران: نشر میزان.
- سهرابی، محمد (۱۳۸۵) حقوق بین الملل خصوصی، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۹۵) حقوق بین الملل خصوصی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- شیخ الاسلامی، سید محسن (۱۳۸۴) حقوق بین الملل خصوصی، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- عامری، جواد (۱۳۶۲) حقوق بین الملل خصوصی، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.
- عزیزی، ستار و بیژن حاجی عزیزی (۱۳۹۰) تابعیت در حقوق ایران و بین الملل، چاپ اول، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- محسنی، الهه (۱۳۹۵) اشخاص و خانواده در حقوق مدنی فرانسه، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۷) حقوق بین الملل خصوصی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پایدار.

نصیری، محمد (۱۳۷۲) حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، ویرایش دوم، تهران: انتشارات آگاه.

نظیف، مجتبی (۱۳۸۸) حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، جلد اول، تهران: نشر دادگستر.